

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

تتبع، نگارش و نوشته از:
الحاج داکتر امین الدین «سعیدی - سعید افغانی» و داکتر صلاح الدین «سعیدی - سعید افغانی»
۰۶ جنوری ۲۰۱۶

نوع و شکل شلاق و تازیانه

دیدن و پذیرفتن بعضی از واقعیت‌ها مانند جرم، جنایت و حق تلفی و جزا‌های ممکن در جوامع و قوانین مختلف جهان از جمله رجم و اعدام و دیگر جزا‌های ناخوش آیند و در بعضی موارد برای ما حتا بحث، مطالعه و قابل شنیدن نیست و بخشی از ما از مواضع موافق و مخالف در مورد بخشی از این جزا‌ها نظراتی داریم که بیشتر درین عرصه خصوصاً در مخالف به اعدام تبارز می‌یابد.

دیدن و شنیدن جزای اعدام و اجرای جزا برای هیچ کس خوشایند و سبب مسرت نیست. خواست و آرزوی هر انسان و فکر سالم این است که عمل جرمی واقع نشود و ضرورت به تنفیذ جزا‌ها از جمله حبس و جزا‌هائی از جمله جزا‌های حدودی و تعزیرات و اعدام‌ها وجود نداشته باشند. این مواضع قابل درک هم‌اند.

مخالفان این جزا‌ها تشدد، جزا و تعذیب انسان را دیده نمی‌توانند. ترحم و شفقت انسانی شان دراین راستا قوی و متمرکز است درحالی که حق متضرر و مظلومی که که ظلم در حقش شده و مجرم درحق مظلوم ناروائی را مرتکب شده که به این ترتیب حق جامعه، تربیه و نظم آن به هم خورده، دقیقاً این جانب قضیه و بخشی عوامل دیگر مسایل و عواملی اند که مخالفان این جزا‌ها یا نمی‌بینند و یا اصلاً به آن توجه نمی‌کنند. حال که جرم و تخلف انسانی وجود دارد و به صورت منطقی جزا‌هائی هم مطرح‌اند و قوانین پیش‌بینی شده‌اند تمرکز ما درین است که مراعات دقیق این جزا‌ها به شکل درست، قانونی و مطابق روحیه و متن اصلی مقنن چنان تطبیق شوند که ضمن برآورده شدن هدف، سبب افراط و تفریط درین موارد نشود.

درین مبحث آنچه به جزا‌های حدودی ربط دارد باید گفت که در جزا‌های حدودی که تازیانه از آن جمله است آنقدر شرایط اثبات دقیق و روشن بیان شده که در اکثر موارد تطبیق این جزا‌های حدودی به وجود شبهه ساقط شده و درین صورت جزا‌های حدودی که رجم و تازیانه زانی می‌باشد، ساقط می‌شوند. تمرکز این جزا‌ها نسبت سوء استفاده در عمل صرف بر زنها دلیل دیگر تصور مخالفت به این جزا‌ها اند. واقعیت این است که این جزا‌ها با درنظر داشت شرایط اثبات جرم آنقدر پیچیده‌اند که وجود این جزا‌ها به صورت عمده و اساسی صرف و صرف در حد تهدید، تربیت، انزار و وقایه باقی می‌مانند. برای یک لحظه تصور کنید که یکی از اساسی‌ترین طریق اثبات عمل زنا طوری است که این عمل را باید چهار شاهد عادل و غیر فاسق مسلمان شهادت بدهد. انسان مجرد دشنام دادن به کسی

دیگر فاسق می شود. و شهادت طوری باشد که عمل زنا را به طوری تعریف کنند که مانند چوب سرمه دانی در سرمه دانی داخل و خارج می شود. به این ترتیب در عمل این روش و طریق اثبات یک طریق اثبات در عمل ناممکن است. حتی اقرار مرتکب زنا در صدر اسلام و صحابه با ذکر این که اقرار را به جواب این که دیوانه هستی چنین اقرار می کنی؟ (ایک ابق - ایا دیوانه استی؟) اقرار کننده به جرم زنا را مخاطب و از محل اقرار خارج کرده اند. طوری که در فوق یاد آور شدیم:

اثبات زنا به وسیله شهادت چهار نفر امری دشوار و نامقدور است، زیرا سخت است که همزمان و در یک وقت چهار نفر یافت شوند که شهادت دهند آلت فلان مرد در فرج فلان زن داخل شده باشد و برای همین منطقی است که دانشمند شهیر جهان اسلام شیخ ابن عثیمین رحمه الله در کتاب «الشرح الممتع» م یفرماید: «شیخ الاسلام ابن تیمیه رحمه الله گفته است:

از زمان طلوع اسلام تابه حال زنا از طریق شهادت (شاهدان) ثابت نشده است، بلکه تنها از طریق اقرار ثابت شده، زیرا (پیدا شدن) شهادت (چهار نفر با بیان این توصیف) سخت است». (الشرح الممتع (۲۵۷/۱۴).

و باز می فرماید: «اگر کسانی بگویند: آنها (یعنی زن و مرد مجرم) را در حالت برهنه مشاهده کرده ایم، در اینحالت چیزی پذیرفته نخواهد شد حتی اگر بگویند: شهادت می دهیم که با آن زن چنان شد که مردی با زن خودش می کند، و این شهادت (یا سخن) کفایت نمی کند، بلکه لازمست اینگونه شهادت بدهند: شاهد بودیم که آلت مرد در فرج زن داخل شده بود و (وقوع) این امر هم واقعاً سخت است، مانند سخن مردی - که در عهد خلافت عمر رضی الله عنه (سه نفر) علیه وی شهادت به زنا دادند، (از شاهد چهارم پرسیدند: آیا تو دیدی که آلت این مرد داخل فرج زن شده باشد؟ شاهد گفت: آری، مرد مجرم به شاهد چهارم) گفت: (تقوای خدا را داشته باشد و) به خدا سوگند اگر تو بین رانهای ما می بودی این شهادت را نمی دادی! (شاهد چهارم نیز از شهادت به زنا امتناع نمود). و به گمان من این امر (دیدن داخل شدن آلت مرد در فرج زن) امکان ندارد، ولی نمی دانم آیا به کمک تجهیزات مدرن و جدید مانند کامره های تصویری ممکن هست یا خیر؟ و ظاهراً باید گفت که با این تجهیزات نیز ممکن نیست، زیرا آنچه که در کامره ویدیویی می بینید همان چیزی است که چشم انسان می بیند، و اگر قرار باشد چشم انسان آن صحنه را نبیند کامره نیز نخواهد دید و لذا شیخ الاسلام ابن تیمیه گفته: از زمان پیامبر صلی الله علیه وسلم تاکنون زنا از طریق شهادت (چهار شهادت) ثابت نشده است، و اگر تا آنزمان ثابت نشده باشد، بعید می دانیم که تا دوران ما نیز ثابت شده باشد، زیرا این امر واقعاً سخت است». «الشرح الممتع» (۲۷۱/۱۴).

مؤلف کتاب «الهدایة» می گوید: «شرط چهار شاهد موجب پوشش (گناه دیگران) است و این (یعنی پوشاندن گناه دیگران) مندوب و مستحب است؛ ولی اشاعه گناه ضد آن است».

و از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که گفت: پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «من ستر مسلماً ستره الله فی الدنيا و الآخرة». مسلم (۲۶۹۹). یعنی: «هر کس عیب مسلمانی را بیوشاند، خدا عیب او را در دنیا و آخرت می پوشاند». و ابن همام می گوید: «(شرط چهار شهادت) موجب تحقیق معنای ستر و پوشش (گناه) است، زیرا هرچه شروط چیزی بیشتر باشد وجود آن کمتر خواهد شد، و هرگاه شهادت بر چهار نفر باشد وجود آن وقتی که شهادت بر دو نفر ثابت گردد، کمتر خواهد شد». «فتح القدیر» (۲۱۴/۵).

این که مسطور ساختن عمل زنا را مستحب برای شخص متهم به زنا خواند اند، همه و همه نشان می دهد که شارع خواسته حق تلفی در جامعه نشود و نظم و اخلاق اسلامی برقرار باشد و عدالت تأمین گردد. کاملاً محسوس است که شارع کدام علاقه خاص و عجله برای تطبیق جزاء به هر قیمت ندارد. دقت و احتیاط کامل را سفارش می کند. منظور

ما از عدم عجله این است چنانچه در گوشه و کنار بخشی از کشور های جهان، با دانش و فهم کم از عمق این مسایل و قضایای جرمی و قوانین طوری می شود که به مجردی شخصی را با شخص دیگر در خلوت دیدند یعنی در خلوت دیدن دختر با پسر، مسأله وقوع عمل زنا را ثابت دانسته و ایشان را زنا کار می دانند. هست مواردی که حقوق متهم مراعات نشده مسأله جبر و اکراه و سایر مسایل حقوقی در نظر گرفته نشده و با وجود شبهات وارده و حق تلفی که موجب سقوط تطبیق جزای حدودی است، در نظر گرفته نشده و بیشتر اهداف سیاسی و شخصی در خلاف به روح اصلی متن و دستور اسلامی در عمل در پیش گرفته شده و می شود و به این ترتیب سبب بی عدالتی های غیر بخشودنی و بدنامی قوانین اسلام می شوند.

در مورد نوع و شکل تازیانه که در تطبیق حد زنا توسط محکمه شرعی مورد استفاده قرار می گیرد علماء نظریات یعنی استنباط های متفاوتی را ارائه داشته اند:

توجه باید کرد که هدف تازیانه و شلاق در حد زنا غیر محصن و غیر محصنه (غیر متأهل باشد) کشتن او نیست، بلکه هدف تریبه، عمل وقایه ئی برای جامعه، تأدیب و تنبیه او و مهم تر از آن پاک کردن از گناه است. با وجود این که پاک کردن از گناه بیشتر به رابطه درونی معبود به خالقش، توبه و قبول توبه اساس است اما درین جای در مورد نوع و شکل شلاق زنی روش ها و نوع مشخص را فقهاء استنباط و دقیقاً محدود و ارایه داشته اند. فقهاء متذکر شده اند که شدت ضربات بایستی متوسط باشد، نه بسیار سخت و نه بسیار ضعیف و البته نباید نرم و لطیف.

شخصی که مجری حد شلاق و تازیانه است باید دقت لازم بخرج دهد که نباید دستهایش را آنقدر بالا ببرد که زیر بغلش ظاهر شود، یعنی حین شلاق زن نباید ضربات با قوت بر بدن مجرم وارد نماید، حکم در مورد استفاده تازیانه همین است که با همان تازیانه اولی باید شلاق ها ادامه یابد و از استعمال چوب و تازیانه های تازه باید جلوگیری به عمل آید، نباید لباس مجرم را از بدنش بیرون آورد، الی در صورتی که مجرم لباس پوستین و چرمی بر تن داشته باشد که باید آن را از تنش بیرون کند.

همه فقهاء در این مورد متفق القول اند که مجازت تازیانه با چوب درختی که تاهنوز میوه نداده باشد، واجب است. بر طبق رأی جمهور فقهاء بر شخص مجرم به صورت ایستاده حد زده شود، و باید مراقب باشد که شلاق های تازیانه به سر و صورت و عورت مجرم اصابت نکند.

امام ابن قدامه درباره کیفیت اجرای حد بر زناکار می گوید: «بر تمام اعضای بدنش ضربه وارد می شود تا هر عضو بدنش سهمی در آن داشته باشد، و بیشتر در جاهائی که گوشه دار بدن وارد می شود مثل رانها و سورین (کوناتی ها)، و باید مراقب باشد که به نقاط حساس و کُشنده مثل سر و صورت و عورت ضربه وارد نشود، چه مرد باشد یا زن. ولی امام صاحب مالک می فرماید: بر پشت و اطراف آن زده شود...».

امام ابن قدامه می افزاید: «ابن مسعود گفته: در دین ما کشیدن و بند کردن و برهنه کردن نیست. و اصحاب رسول الله صلی الله علیه وسلم تازیانه زدند اما از هیچ یک از آنان نقل نشده که (مجرم را) کشیده و یا بند و یا برهنه کرده باشند. و لباسهای شان از تن او بیرون آورده نمی شود، بلکه یک یا دو لباس بر تن داشته باشد، و اگر جامه ای پوستین یا چرمی برتن داشت آن را بیرون آورند؛ زیرا اگر درآورده نشود از شلاق متأثر نمی شود. و امام احمد گفته: اگر لباس زمستانی او بیرون آورده نشود متأثر نخواهد شد.

و امام مالک گفته: برهنه شود، زیرا امر به تازیانه اقتضاء می کند مستقیماً به پوست بدن برخورد کند، ولی دلیل ما قول ابن مسعود است، و تاجائی که می دانم هیچ یک از صحابه خلاف آن را نگفتند، و خدای متعال به برهنه کردن او دستور ندادند، بلکه تنها به تازیانه زدن دستور دادند، و اگر بر روی لباس هم تازیانه شود مقصود حاصل می شود.».

و باز ادامه می دهد: «ضربات باید به وسیله تازیانه (شلاق) باشد، و تاجائی که می دانم اختلافی بر سر این نیست، البته به جز حد شراب، بعضی (از اهل علم) گفتند: بر شارب خمر به وسیله دست و کفش و کناره لباس ضربه زده شود... شلاق هم باید متوسط و میانه باشد، نه تازه و نو باشد که موجب جراحت شود و نه کهنه و ازکار افتاده باشد که درد ضربات را تقلیل دهد، زیرا روایت شده که مردی نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم به زنا اعتراف نمود، پیامبر صلی الله علیه وسلم تازیانه ای طلبید، برای ایشان تازیانه ای شکسته آوردند، فرمود: از این بهتر بیاورید، این بار تازیانه ای نو و تازه آوردند، فرمود: یک تازیانه مابین این دو بیاورید. این را امام مالک از زید بن اسلم به صورت مرسل روایت کرده، و از حضرت ابوهریره به صورت متصل روایت شده است...

و همینطور شدت ضربات باید میانه باشد، نه آنقدر شدید باشد که موجب کشتن شود و نه ضعیف و بدون درد باشد، بازوانش را آنقدر بالا نبرد و زیاد هم پائین نباشد که دردی نرساند، امام احمد می فرماید: در اجرای هیچ کدام از حدود نباید (دستها را آنقدر بالا برد که) زیر بغلش ظاهر شود. یعنی نه زیاده روی کند و نه کم روی.

و اگر مجرم زن بود او را نشسته تازیانه زند، و دستهایش را جمع کند تا عورتش ظاهر نشود، این رأی امام صاحب ابوحنیفه و امام شافعی و امام مالک است. ولی امام ابویوسف گفته: ایستاده تازیانه زده شود.

ولی بادر نظر داشت روایات مختلفه فقهاء در این بابت حدیثی صحیحی از حضرت علی کرم الله وجهه که میفرماید: زن را نشسته بزیند و مرد را ایستاده، و آنگهی بدن زن عورت است و نشستن او موجب پوشش بیشتر اوست» «المغنی» (۱۴۱/۹ - ۱۴۲).

امام صاحب نووی می فرماید: «اگر با شلاق حد را بزیند بایستی متوسط بین شاخه نی و عصا باشد و چنانچه با شاخه درخت بزیند باید سبک و بین خشک و تر باشد و ضربت باید متوسط باشد و ضارب دست را بالاتر از سر خود نبرد و دست را پائین هم نیندازد بلکه بازوی خود را به طور معتدل بالا ببرد» (تفصیل موضوع را می توان در «فقه السنة» سید سابق مطالعه فرماید).

نوع و چگونگی تازیانه زدن در همه حدود شرعی یکسان است. ولی در فقه حنفی بدین نظر آند که: تازیانه زدن در تعزیر نسبت به تازیانه زدن در حدود شدیدتر است تازیانه زدن در حد زنا، از تازیانه زدن در حد شراب شدیدتر است و تازیانه زدن در حد شراب، از تازیانه زدن در حد قذف (بهتان) شدیدتر است.

همچنان نقطه قابل توجه در تطبیق حد شرعی نزد فقها همین است که: مرد به حالت ایستاده تازیانه و زن به حالت نشسته تازیانه زده می شود.

با توجه به این توضیحات که در فوق بدان اشاره نمودیم روشن شد که اجرای درست حد بر زانی و یا زانیه موجب کشتن او نخواهد شد، حتی اگر بدن نچندان قوی داشته باشد، زیرا حکمت و فلسفه از اجرای حد تازیانه صرف جنبه تأدیب و تنبیه و دیدن آن توسط دیگران است، طوری که می فرماید: «الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَيْشِهْدَ عَذَابَهُمَا طَائِفَةٌ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ» (سوره نور ۲). یعنی: «هر یک از زن و مرد زناکار را صد تازیانه بزیند؛ و نباید رأفت (و محبت کاذب) نسبت به آن دو شما را از اجرای حکم الهی مانع شود، اگر به الله و روز جزاء ایمان دارید! و باید گروهی از مؤمنان مجازاتشان را مشاهده کنند».

پایان